

دانشکده علوم تربیتی

گروه برنامه ریزی درسی

عنوان پایان نامه

بررسی میزان دستیابی به مهارت های زندگی دانش آموزان دوره ی راهنمایی
از دیدگاه دبیران علوم اجتماعی شهر اصفهان

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته برنامه ریزی درسی

مؤلف

لیلا کاهکش پور

استاد راهنما

دکتر حسن کرمعلیان

استاد مشاور

دکتر مهران فرج اللهی

تقدیر و تشکر

پس از حمد و سپاس از پروردگار جهانیان که در این راه یارو یاورونشان
دهنده راه بوده است،

از اساتید راهنما و مشاور، جناب آقای دکتر کرمعلیان و جناب آقای
دکتر فرج اللهی که با راهنمایی ها و پیگیری های مستمرشان در امر
یادگیری، تهیه و تدوین این پایان نامه مرا یاری نموده اند تشکر و
قدردانی می نمایم.

تقدیم به:

تمامی آنان که به من آموختند.

و تقدیم به:

همکاران عزیزی که به عنوان معلم در سراسر کشور عزیزمان در راه
تعلیم و تربیت فرزندان این آب و خاک صادقانه تلاش می کنند.

قال علی (ع):

« أَوْلَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ الْأَشْيَاءُ الَّتِي إِذَا صَارُوا رَجَالاً
اِحْتَاجُوا إِلَيْهَا »

علی (ع) فرمود:

بهترین مطالبی که شایسته است جوانان یاد گیرند ، چیزهایی است که
در بزرگسالی مورد نیازشان باشد و بتوانند در زندگی اجتماعی از
آموخته های دوران جوانی خود استفاده کنند.

(شرح ابن ابی الحدید ۲۰ ، کلمه ۸۱۷ ص ۳۳۳)

چکیده:

با توجه به تغییر و تحول عمیق فرهنگی دانش آموزان ما، نیاز به یادگیری بیشتری در زمینه مهارت ها و رشد توانایی هایی از جمله بینش و بصیرت، خود آگاهی، برقراری ارتباط موثر اجتماعی، مذاکره و تصمیم گیری را دارند. آنها باید بتوانند از این مهارت ها در زندگی روزمره خود بطور موثری استفاده نمایند. آگاهانه انتخاب کنند و مسئولیت رفتارهای خود را بپذیرند، محرک های بیرونی و درونی خود پاسخ مناسبی بدهند و به عنوان فردی تکامل یافته هیجانات، افکار، احساسات خود را اصلاح و تعادل بخشیده و به خودشکوفایی برسند. و در این راستا آموزش و پرورش موظف است با بررسی و شناخت نیازها، انتظارات و توانایی های دانش آموزان مهارت های زندگی را برایشان فراهم کند. آموزش این مهارت ها لازم است با دیگر برنامه های آموزشی و تحصیلی ادغام شود. با توجه به اینکه مهارت های اجتماعی زیر مجموعه اساسی مهارت های زندگی است در این پژوهش به بررسی دیدگاه دبیران علوم اجتماعی در خصوص میزان دستیابی دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی به مهارت های زندگی پرداخته شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دبیران علوم اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی شهر اصفهان به تعداد ۲۶۵ نفر می باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول مورگان و متناسب با جامعه آماری از طریق نمونه گیری تصادفی به تعداد ۱۵۷ نفر در نظر گرفته شده است. ولی ۸۲ نفر به سوالات پژوهش پاسخ دادند. طرح تحقیق از نوع توصیفی (پیمایشی) و ابزار اندازه گیری آن پرسشنامه محقق ساخته است که با استفاده از بسته نرم افزاری **spss**، ضریب همبستگی بین سوالات بر اساس آلفای کرونباخ عدد ۰/۹۸ برآورد شده است. برای تجزیه و تحلیل یافته ها از جداول توزیع فراوانی، درصد و نمودار، میانگین و انحراف معیار استفاده شد.

همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه و سوالات نشان می دهد که:

- ۱- میزان دستیابی به مهارت های زندگی در سطح متوسط و یا کمتر از آن بوده است.
- ۲- بین میزان دستیابی به مهارت ها از نظر دبیران مرد و زن تفاوتی وجود ندارد.
- ۳- بین میزان دستیابی به مهارت های گوناگون زندگی تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین مهارت های زندگی بر حسب سابقه خدمت دبیران تفاوت وجود دارد.

کلمات کلیدی: مهارت های زندگی، دوره راهنمایی تحصیلی، علوم اجتماعی، معلم.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱	مقدمه	۱
۲-۱	طرح مساله و بیان آن	۲
۳-۱	اهمیت و ضرورت مساله	۶
۴-۱	سوالات تحقیق	۱۰
۵-۱	اهداف تحقیق	۱۰
۶-۱	استفاده کنندگان از نتایج طرح	۱۱
۷-۱	تعریف مفاهیم و اصطلاحات	۱۱

فصل دوم: پیشینه تحقیق

۱-۲	مقدمه	۱۳
۲-۲	مهارت های عمده مورد نیاز	۱۴
۱-۲-۲	مهارت های اجتماعی	۱۵
۲-۲-۲	مهارت های مقابله ای	۱۷
۳-۲-۲	مهارت حل مسئله	۱۹
۱-۳-۲-۲	مراحل حل مسئله	۲۲
۳-۲	تعریف مهارت های زندگی	۲۳
۴-۲	اهداف آموزش مهارت های زندگی	۳۰
۱-۴-۲	ارتقاء بهداشت روانی و پیشگیری از آسیب اجتماعی	۳۱
۲-۴-۲	توانمند کردن افراد	۳۲
۳-۴-۲	تحقق توانایی های بالقوه و انطباق با تغییرات زندگی	۳۲
۴-۴-۲	مطالعات درمانی	۳۲
۵-۲	اهمیت مهارت های زندگی در مدارس	۳۳
۶-۲	انواع مهارت ها	۳۴
۱-۶-۲	خود آگاهی	۳۴
۲-۶-۲	مهارت های ارتباطی	۳۷
۳-۶-۲	مهارت های همدلی	۳۹
۴-۶-۲	مهارت روابط بین فردی	۴۱
۵-۶-۲	مهارت حل مسئله	۴۲
۶-۶-۲	مهارت تفکر خلاق	۴۳

۴۴.....	۷-۶-۲ مهارت تصمیم گیری
۴۶.....	۸-۶-۲ مهارت تفکر انتقادی
۴۸.....	۹-۶-۲ مهارت مقابله با هیجانات
۵۰.....	۱۰-۶-۲ مقابله با استرس
۵۲.....	۷-۷-۲ ابعاد مهارت های زندگی
۵۲.....	۱-۷-۲ مهارت های ارتباطی بین فردی / روابط انسانی
۵۳.....	۲-۷-۲ مهارت های حل مسئله / تصمیم گیری
۵۴.....	۳-۷-۲ مهارت سلامت جسمانی / حفظ سلامت
۵۵.....	۴-۷-۲ مهارت رشد هویت / هدف در زندگی
۵۶.....	۸-۲ تعریف برنامه ریزی درسی
۵۷.....	۹-۲ نظریه های یادگیری
۵۷.....	۱-۹-۲ نظریه یادگیری اجتماعی
۵۸.....	۲-۹-۲ نظریه شناختی
۶۰.....	۳-۹-۲ نظریه یادگیری ساخت گرا
۶۰.....	۱۰-۲ روش های مختلف آموزش مهارت های زندگی
۶۱.....	۱-۱۰-۲ بارش فکری
۶۲.....	۲-۱۰-۲ ایفای نقش
۶۲.....	۳-۱۰-۲ گروه های کوچک و گروه های دونفره
۶۳.....	۱۱-۲ سیستم آموزش رسمی و آموزش مهارت های زندگی
۶۴.....	۱-۱۱-۲ منابع اطلاعاتی برنامه ریزی درسی
۶۴.....	الف) الگوی مبتنی بر موضوعات درسی مدرن به عنوان منبع اطلاعاتی
۶۵.....	ب) الگوی مبتنی بر دانش آموز به عنوان منبع اطلاعاتی
۶۵.....	ج) الگوی مبتنی بر جامعه به عنوان منبع اطلاعاتی
۶۶.....	۱۲-۲ دوره راهنمایی تحصیلی
۶۶.....	۱۳-۲ اهداف دوره راهنمایی تحصیلی
۶۷.....	۱-۱۳-۲ اهداف اعتقادی
۶۷.....	۲-۱۳-۲ اهداف اخلاقی
۶۸.....	۳-۱۳-۲ اهداف علمی و آموزشی
۶۹.....	۴-۱۳-۲ اهداف فرهنگی و هنری
۶۹.....	۵-۱۳-۲ اهداف اجتماعی

۷۰.....	اهداف زیستی ۶-۱۳-۲
۷۱.....	اهداف سیاسی ۷-۱۳-۲
۷۱.....	اهداف اقتصادی ۸-۱۳-۲
۷۲.....	اهداف درس علوم اجتماعی ۱۴-۲
۷۴.....	پیشینه پژوهش ۱۵-۲
۷۴.....	نتایج تحقیقات داخلی ۱۶-۲
۷۷.....	نتایج تحقیقات خارجی ۱۷-۲
۸۲.....	جمع بندی فصل دوم ۱۸-۲

فصل سوم: روش پژوهش

۸۴.....	۱-۳ مقدمه
۸۴.....	۲-۳ روش انجام پژوهش
۸۵.....	۳-۳ جامعه آماری
۸۵.....	۴-۳ نمونه و روش نمونه گیری
۸۶.....	۵-۳ روش های جمع آوری اطلاعات
۸۷.....	۶-۳ روایی و پایایی ابزار جمع آوری اطلاعات
۸۹.....	۷-۳ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۹۱.....	۱-۴ مقدمه
۹۱.....	توصیف داده ها
۹۱.....	آمار توصیفی
۹۱.....	آمار استنباطی
۹۲.....	تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش های آمار توصیفی
۹۲.....	الف) ویژگی های نمونه
۹۴.....	ب) توزیع میانگین انحراف معیار مهارت های زندگی
۹۹.....	تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش های آمار استنباطی

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱۱۰.....	۱-۵ مقدمه
۱۱۰.....	۲-۵ بحث و نتیجه گیری
۱۱۱.....	۱-۲-۵ تفسیر نتایج پژوهش
۱۱۶.....	۲-۲-۵ پاسخ به سوال اول پژوهش

- ۱۱۷..... ۳-۲-۵ پاسخ به سوال دوم پژوهش
- ۱۱۸..... ۴-۲-۵ پاسخ به سوال سوم پژوهش
- ۱۱۹..... ۵-۲-۵ پاسخ به سوال چهارم پژوهش
- ۱۲۳..... ۳-۵ جمع بندی کلی
- ۱۲۴..... ۴-۵ پیشنهادات
- ۱۲۴..... الف) به مسئولین اجرایی
- ۱۲۷..... ب) به سایر پژوهشگران
- ۱۲۷..... ۵-۵ محدودیت های پژوهش
- ۱۲۸..... منابع به زبان فارسی
- ۱۳۴..... منابع به زبان انگلیسی
- ضمائم

فهرست جداول

صفحه

۹۲	۱-۴ توزیع معلمان برحسب جنسیت
۹۳	۲-۴ توزیع معلمان برحسب سابقه خدمت
۹۴	۳-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار خودآگاهی
۹۴	۴-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار ارتباطی
۹۵	۵-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار همدلی
۹۵	۶-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار مهارت بین فردی
۹۶	۷-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار مهارت حل مسئله
۹۶	۸-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار تفکر خلاق
۹۷	۹-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار مهارت مقابله با هیجانات
۹۷	۱۰-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار مهارت تصمیم گیری
۹۸	۱۱-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار تفکر انتقادی
۹۸	۱۲-۴ توزیع میانگین و انحراف معیار مقابله با استرس
۹۹	۱۳-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت خودآگاهی با میانگین فرضی ۳
۹۹	۱۴-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت ارتباطی با میانگین فرضی ۳
۹۹	۱۵-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت همدلی با میانگین فرضی ۳
۱۰۰	۱۶-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت بین فردی با میانگین فرضی ۳
۱۰۰	۱۷-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت حل مسئله با میانگین فرضی ۳
۱۰۰	۱۸-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت تفکر خلاق با میانگین فرضی ۳
۱۰۱	۱۹-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت مقابله با هیجانات با میانگین فرضی ۳
۱۰۱	۲۰-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت تصمیم گیری با میانگین فرضی ۳
۱۰۱	۲۱-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت تفکر انتقادی با میانگین فرضی ۳
۱۰۲	۲۲-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت مقابله با استرس با میانگین فرضی ۳
۱۰۲	۲۳-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت زندگی از دیدگاه دبیران علوم اجتماعی
۱۰۴	۲۴-۴ مقایسه زوجی اختلاف میانگین دو به دو مهارت های زندگی

- ۱۰۶ ۲۵-۴ مقایسه میانگین مهارت های زندگی از دیدگاه دبیران مرد و زن
- ۱۰۸ ۲۶-۴ مقایسه میانگین مهارت های زندگی از دیدگاه دبیران برحسب سابقه خدمت
- ۱۰۹ ۲۷-۴ مقایسه زوجی اختلاف میانگین نمره مهارت زندگی برحسب سابقه خدمت

فهرست نمودارها

صفحه

۹۲	۱-۴ توزیع معلمان برحسب جنسیت
۹۳	۲-۴ توزیع معلمان برحسب سابقه خدمت
۱۰۳	۳-۴ مقایسه میانگین نمره مهارت زندگی از دیدگاه دبیران
۱۰۷	۴-۴ مقایسه میانگین مهارت های زندگی از دیدگاه دبیران مرد و زن

۱-۱- مقدمه

امروزه در شرایط خاص و زمانی ویژه قرار داریم؛ انسان « خلیفه الله » توانسته است مرزهای دانش را درنوردد و بیشترین امکانات را در اختیار گیرد و همچنان نیز به سرعت پیش می رود تا بهترین و مرفه ترین زندگی را رقم بزند. اما با وجود تلاش ها نتایج معکوس شامل حال او شده و با وجود رسیدن به آسایش مطلق، آرامش از او سلب شده است و با همه پیشرفت های علمی و امکانات پیرامونی هنوز هم از دردهای جانکاه وی کاسته نشده است. این مطلب گواه بر این معنا است که برای رسیدن به سواحل آرامش علاوه بر آسایش، یکسری مهارت های زندگی لازم است؛ مهارت هایی که با گسترده شدن پیچیدگی های زندگی، آن ها نیز پیچیده تر می شوند. علاوه بر این که انسان در زمان گذرا هزاره دوم به هزاره سوم نیاز زیادی به معنویت و اخلاق دارد که از جمله مهارت های مهم زندگی بوده و چه بسا ممکن است الفبای بسیاری از مهارت های دیگر باشد.

از طرف دیگر امکانات و تجهیزات و مقوله تأمین و دارایی کافی نیست، مشکل بشر امروز مقولات متعددی از جمله سالم زیستن، شاد زیستن، آرام زیستن، تشکیل خانواده شاداب و سرشار از عشق و صفا و امید و بالندگی و رشد است. اغلب پیشرفت های لجام گسیخته بشر نه تنها به کاهش از هم پاشیدگی خانواده ها کمک نکرده بلکه به افزایش آمار طلاق در سراسر جهان خصوصاً در سه دهه اخیر منجر شده است. بشر از پایان هزاره دوم یعنی تا سال ۲۰۰۰، عصر اضطراب را طی نموده و در آغاز هزاره سوم عصر آسودگی را تجربه می کند. گرچه به نظر تحلیل گران منصف، جوامع دینی و معتقد کمتر در این آسیب ضربه دیده اند. از سویی پیشرفت صنعت و تکنولوژی خصوصاً در پایان هزاره دوم و ادامه شتابناک آن در قرن بیست و یکم و تغییر ساختار خانواده و زندگی، انسان امروزی را به چالش فراخوانده است و برای این که بتواند با این چالش ها و مشکلات زندگی مقابله کند، باید به توانمندی ها، ابزارها و شیوه هایی مجهز باشد تا با استفاده از این ابزار، زندگی سالم و بدون اضطراب و استرس داشته باشد. البته در کنار این ابزار، وجود دین و شناخت عمیق تر کارکردهای آن بالاخص در ابعاد اجتماعی و زیستی اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. (خنیفر، ۱۳۸۶، ص ۱۲-۱۱)

از سویی جمعیت جوان کشور سرمایه ای بالقوه برای توسعه کشور به حساب می آید که اگر توجه کافی به آموزش و پرورش و توسعه و سلامت آنان معطوف نگردد تهدیدی جدی برای آینده

کشورمان تلقی می گردند ، چون نیازهای تأمین نشده آنان به شکل رفتارهای نابهنجار خودرانشان خواهند داد. وبسیاری از آسیب های روانی - اجتماعی که متوجه نسل جوان و اجتماع است ناشی از ناآگاهی، تجربه ناکافی وعدم برخورداری جوانان از پاره ای از مهارت های بازدارنده یا اصلاح کننده است. فردی که در دوران آموزش خودمهارت مواجهه با موقعیت های پرتنش رافرانگرفته به نوعی قربانی آثار سوء آن خواهد شد و هرکس که توانایی مواجهه با انحرافات و آلودگی های اجتماع را ندارد در جایگاهی انفعالی و تلقین پذیر به سادگی آماده در غلتیدن به ورطه های مختلف ناهنجاری های اجتماعی است. آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نهاد، وظیفه دارد که نسل جدید را در ابتدای ورود به دوران پرمخاطره نوجوانی که همان دوره راهنمایی می باشد برای زندگی در جامعه آماده سازد. که این امر در سطح آموزش عمومی شامل سلسله مهارت هایی برای زندگی و جنبه های آن است و هدفش آشنایی افراد با اصول، قواعد، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی است تا افراد بتوانند شهروندان خوبی برای جامعه باشند و انتظار همگان از آموزش و پرورش تربیت دانش آموزانی است که در جامعه درست زندگی کنند و بتوانند مناسبت های اجتماعی خود را درست سازماندهی کنند، تمام اعضای جامعه، در طول عمر با اثرات قابل ملاحظه تجارب مدرسه خود زندگی می کنند. لذا از یک دانش آموخته مراکز آموزشی انتظار می رود که علاوه بر تسلط یافتن به دانش، رفتار مناسب و مهارت های لازم برای زندگی سالم و شاد در اجتماع را کسب کند. و همچنین اجتماعی کردن صحیح کودکان مطرح است، رشد و اعتلای اجتماعی در سایه اجتماعی شدن حاصل می شود و نتیجه آن سازگاری و برقراری ارتباط سالم و صحیح کودکان و نوجوانان با اطرافیان است. و در زندگی اجتماعی چالش های گوناگونی بر افراد و رفتارهای آنان تأثیری می گذارد که چگونگی رویارویی با مسایل گوناگون ، پیش بینی ها و برنامه ریزی های خاص خود را می طلبد و در این میان نظام آموزش و پرورش نقش کلیدی و بنیادین را بر عهده دارد.

۱-۲- طرح مسأله و بیان آن

آن چه که ضرورت توجه بیش تر به آموزش مهارت های زندگی در مدرسه های کشور را دوچندان می سازد، وجود برخی نارسایی ها و ناکارآمدی های فردی و اجتماعی در میان کودکان و نوجوانان است. ناکارآمدی های فردی آن گاه بروز پیدا می کند که کودک از عهده مراقبت های شخصی و مهارت های مورد نیاز زندگی روزمره، متناسب با گروه سنی خود بر نیاید. اما ناکارآمدی اجتماعی زمانی تحقق می یابد که فرد فاقد مهارت های اجتماعی لازم برای ایجاد اثرات مطلوب روی

افراد دیگر، در موقعیت های گوناگون اجتماعی باشد. برخی کودکان ممکن است نتوانند ارتباط مناسبی با دیگران ایجاد یا آن را حفظ کنند و یا ممکن است نتوانند با موقعیت های اجتماعی خاصی خود را منطبق سازند. همه ی این نارسایی ها و ناکارآمدی های اجتماعی ممکن است به طرد و انزوای اجتماعی و نهایتاً به شکل گیری اضطراب، افسردگی و دیگر علائم اختلال ذهنی منجر شود.

باتوجه به این که رشد عبارت است از زنجیره ایی از تغییرات جسمی، اجتماعی و شخصیتی که به مرور زمان روی می دهد، رشد اجتماعی نیز در طول زمان بر اساس آموزش و تجربه و سایر عوامل دیگر به وجود می آید. ولذا برای بیشتر مردم رشد اجتماعی کم کم در طول زندگی به طور طبیعی در بر خورد با تجربه ها حاصل می شود اما به کمک آموزش می توان نسبت به رفع این کمبودها اقدام نمود. بنابراین در تبیین نتایج فوق می توان گفت که کاربرد مهارت های زندگی در جهت اثربخش ساختن زندگی انسان ها می باشد. آموزش مهارت های زندگی یکی از مهمترین و اصولی ترین برنامه های پیشگیری از آسیب ها است. این برنامه مهمترین مداخله درونی - اجتماعی مبتنی بر مدرسه است که می کوشد کودکان، نوجوانان و جوانان را نه تنها در مقابل آسیب ها محافظت کند بلکه زمینه ارتقا و رشد آن ها را نیز فراهم نماید. برنامه آموزش مهارت های زندگی ضرورتی فراملی و جهانی است که در سطح ملی و جهانی نیز ضرورت توجه ویژه به آن از منطقی نیرومند و مستحکم برخوردار است بدیهی است برای دست یابی به نسلی کارآمد و مؤثر می بایست محصولات نظام تعلیم و تربیت به گونه ای تربیت شوند که علاوه بر مهارت علمی واجد رشد اجتماعی کافی، سلامت روانی و قدرت تأثیر گذاری باشند. به این ترتیب به جهت اهمیت علم مهارت های زندگی در کلیه ابعاد حیات انسانی ضرورت آگاهی از آن برای کلیه افراد در هر موقعیت و شرایط و به کارگیری اصول اساسی آن در جهت ایجاد زندگی سالم و مفید و روبه تکامل آشکاری گردد.

تعلیم و تربیت در دنیای کنونی برای مهم تأکید دارد که دانستنی ها، توانایی ها و نگرش ها اهمیت یکسانی دارند با توجه به چهار ارکان یادگیری مورد تأکید و توافق بین المللی، شامل یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای زیستن و برای با هم زیستن، می توان اذعان داشت که هیچ یک از ابعاد یادگیری بردیگری ارجح نیست و تعلیم و تربیت باید در صدد پرورش افرادی باشد که می دانند و می توانند از آموخته های خود در عمل استفاده کنند و می خواهند از اطلاعات، دانسته ها و توانایی های خود برای حل مسایل واقعی زندگی خود و دیگران استفاده کنند.

اکنون سؤال این است که چگونه می توان چنین افرادی را پرورش داد؟ یافته ها و پژوهش های علمی و توسعه زیاد دانش بشری حاکی از این است که در عصر فعلی یادگیری یک سری مفاهیم و اندوختن اطلاعات زیاد افراد چیز مطلوبی نیست زیرا پیشرفت های علمی آن چنان سریع است که

تغییرات همه جانبه به وجود می آید که یادگیری امروز افراد در آینده کاربرد نخواهد داشت. از طرف دیگر، مسایل مختلفی فراگیران را احاطه نموده و آنان را در زندگی خودشان با سئوالات عمده ای مواجه خواهند شد. در این جا آن چه مطرح می گردد این است که در عرصه تعلیم و تربیت افراد چه چیزی کم داریم که ضروری است آن را تأمین کنیم؟

پژوهش های بیشماری نشان داده است که بسیاری از مشکلات ناشی از نداشتن مهارت های مفید و ضروری برای زندگی است گرچه در دوران کودکی این تعارضات جلوه چندانی ندارد، اما با افزایش سن و هنگام مواجهه بادشواری های ویژه سنین نوجوانی و جوانی، کشمکش های درونی و محیطی بیشتر تظاهر پیدا می کنند. همزمان بارشد جسمانی و روانی، انتظار جامعه و خانواده نیز از فرد نوجوان و جوان افزایش می یابد به طوری که آن ها می پذیرند به سبب زندگی اجتماعی، بخشی از تمایلات خود را محدود کنند و در چارچوب هنجارهای اجتماعی و گروهی قرار گیرند. در این راستا نوجوانان و جوانانی که شیوه های صحیح رفتاری را فرا نگرفته باشند و مهارت های لازم جهت تطبیق خود با خانواده و جامعه را نیاموخته باشند، با آسیب های جدی و متعددی روبرو خواهند شد.

گروهی از روانشناسان معتقدند، فردی از لحاظ روانی سالم است که احساس اجتماعی در او رشد یافته و قادر است، ارتباط سازنده ای با دیگران برقرار سازد. چنین فردی، ضمن احساس احترام نسبت به خود و دیگران، کمبودهای خویش را نیز قبول دارد و انعطاف پذیر است. بعضی دیگر، سلامت روان را منوط به ارضای دنیای اساسی در انسان می دانند: یکی تعامل عاطفی سازنده یا مطلوب با دیگران، و دیگری احساس موفقیت و ارزشمند بودن در زندگی. (فیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۸)

پژوهش ها حاکی از آن است که بسیاری از مشکلات بهداشتی و اختلالات روانی-عاطفی، ریشه های روانی-اجتماعی دارد. علاوه بر این سایر پژوهش ها احساس کهنتری، ناتوانی در بیان احساسات و فقدان مهارت های ارتباطی را عوامل مهم بسیاری از مشکلات فردی مانند، سوء مصرف مواد، بزهکاری، بی بندوباری جنسی، رفتارهای مخاطره آمیز و خشونت می دانند. لذا سازمان بهداشت جهانی به منظور ارتقای سطح بهداشت روانی و پیشگیری از آسیب های روانی-اجتماعی، برنامه ای را به عنوان آموزش مهارت های زندگی تدارک دیده است. از آن جا که مدرسه قوی ترین نهاد بعد از خانواده محسوب می شود و می تواند اثر عمیقی بر کودکان و خانواده ها و حتی اجتماع داشته باشد و این که تقریباً تمامی کودکان در دوره ای از زندگی خود به مدرسه می روند و تجارب مدرسه اثرات قابل ملاحظه ای در تمام طول عمر افراد دارد، این برنامه از سال ۱۹۹۳ در مدارس اجرا گردیده است. نتایج تحقیقات و ارزیابی ها نشان داده است که برنامه آموزش مهارت های زندگی اثرات دراز مدتی بر کودکان و نوجوانان و جوانان داشته است. آموزش مهارت های زندگی به دانش آموزان مورد تأیید

بسیاری از مربیان و صاحب نظران تعلیم و تربیت بوده است. برای مثال از نظر جان دیویی هدف تعلیم و تربیت آماده کردن شهروندان برای خودگردانی است، و این یادگیری مثل هر یادگیری دیگری باید از راه عمل صورت گیرد. به نظر دیویی بزرگترین نقص آموزشگاه های سنتی که مایه بس تأسف است آن است که در آن سعی می شود در محیطی که فاقد روح اجتماعی است، برای اجتماع اعضای شایسته و مفید تربیت کرد.

گرچه بشر توانسته است که از امکانات و دانش استفاده کند اما لازمه سالم، شاد و آرام زیستن و بالندگی و رشد، آشنایی با مهارت هایی است که انسان در زندگی به آن ها نیازمند است، مهارت هایی چون تصمیم گیری، تفکر خلاق و نواندیشیدن، مهارت برقراری روابط دوستانه، خودشناسی و آگاهی از نقاط ضعف و قوت، توانایی حل مسئله، توانایی مقابله با فشارهای روانی، درک احساسات و هیجانات دیگران، مقابله با فشار گروه و سازگاری اجتماعی از مهمترین موارد مهارت های زندگی هستند. بر اساس یافته ها فقدان این مهارت ها سبب می گردد فرد در برابر فشارهای روانی، به رفتارهای غیر مؤثر و ناسازگارانه ای روی آورد. آموزش چنین مهارت هایی در کودکان و نوجوانان احساس کفایت، توانایی مؤثر بودن، غلبه کردن و توانایی برنامه ریزی رفتار هدفمند و متناسب با مشکلات را به وجود می آورد. از آن جا که در کل مدرسه، از دوره بر اجتماعی کردن کودکان اثر می گذارد: نخست این که محیطی فراهم می آورد که در آن نوجوانان بیشتر وقت خود را در آن می گذرانند و همانند مرکزی فرهنگی برای هم سالان است. و دوم این که تعلیم و تربیت رسمی را ارائه می دهد. آموزش و پرورش یک بعدی و متمایل به متراکم نمودن حافظه، در تکوین هویت فرهنگی، ناکارآمد و عقیم خواهد بود. همان طور که دکتر پراواز وازی یکی از کارشناسان فرهنگی یونسکو می نویسد: آموزش و پرورش کنونی، روی حافظه و مسائل فنی تأکید می کند و هنوز از بالنده ساختن کامل انسان خیلی دور است. بالندگی کامل انسان به معنای رشد فیزیکی، اجتماعی، عاطفی و ذهنی یا عقلی است. دانش به خودی خود کافی نیست. باید اخلاق و فرهنگ، باید ادگیری درهم آمیزد و دیگر به موضوعاتی جداتلقی نشوند.

باتوجه به آموخته های درس علوم اجتماعی و ارتباط یافتن بعضی از مؤلفه های مهارت های زندگی با محتوای درس علوم اجتماعی در دوره راهنمای و همچنین روابط مؤثرترین معلم و دانش آموز و کتب درسی به این پژوهش پرداخته ایم. در دوره راهنمایی نگرش دبیران بر مؤلفه های اصلی آموزش مهارت های زندگی از اهمیت خاصی برخوردار است. در اینجا این مسئله مطرح است که چه راهکارهایی را دبیران درس علوم اجتماعی، با توجه به دانش و تجارب قبلی برای رسیدن بدین گونه مهارت ها در دوره راهنمایی پیشنهاد می کنند و میزان توانایی محتوای دروس علوم اجتماعی در تأمین

مهارت های زندگی (۱۰ مورد) چگونه است و آیا محتوای کنونی دروس علوم اجتماعی می تواند مهارت های لازم برای زندگی اجتماعی کنونی را فراهم سازد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت مساله

تلاش و کوشش دست اندرکاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان برای رشد همه جانبه افراد در کشور می باشد که اساساً از سال های کودکی آغاز می گردد. کودکان با طرز تلقی و ارزش های ذاتی به دنیا نمی آیند و بدون آموزش نیز در اجتماع نمی توانند این ارزش ها را رشد دهند. بنابراین نیازمند آموزش و از جمله آموزش مهارت های زندگی هستند.

تغییرات عمیق و سریع فرهنگی و اجتماعی زندگی کنونی بشر، بسیاری از افراد را در رویارویی و سازگاری با مسائل و مشکلات موجود و نوظهور دچار مشکل کرده است. به طوری که اکثر آن ها فاقد توانایی ها و مهارت های لازم در مواجهه با مسائل فراروی خود بوده و بسیار آسیب پذیر می شوند. آمار بالای افسردگی، طلاق و اعتیاد شاهد بر این مدعا است.

پیچیدگی روابط و مناسبات انسانی، نفوذ و گسترش وسایل ارتباط جمعی، تنوع در مصارف زیستی و فرهنگی به همراه افزایش جمعیت و مطالبات آنان و مهمتر از همه تغییرات ایده آل ها و آرمان های بشر امروزی، زیستن را از وضعیت همگون و ساده به وضعیتی ناهمگون و پیچیده تبدیل کرده است. این وضعیت اگرچه به تحولات سریع و پیچیده جامعه ربط دارد، اما از سویی دیگر نشانی از ناکارآمدی نهادهای سنتی خانواده، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی جامعه می باشد که به رسالت خود درست عمل نکرده اند. خانواده و نظام آموزشی ما نتوانسته اند با تحولات ارزشی، فرهنگی و تکنولوژی معاصر خود را وفق دهند. بنابراین زندگی در چنین شرایطی مهارت های خاصی را می طلبد، مهارت هایی که بتواند درست زیستن، یعنی زندگی سالم و بانشاط، توأم با صلح و بالندگی و کارآمدی را به ارمغان آورد، مهارت هایی که فراتر از تأمین بهداشت روانی و ایمن کردن فرد در برابر آسیب های روانی - اجتماعی، به او بیاموزد که چگونه از زندگی لذت هم ببرد. این هدف و توانایی در زندگی پیچیده و مدرن امروزی، هنری بس گران بها است.

سازمان جهانی بهداشت نیز برنامه ای با عنوان آموزش مهارت های زندگی، در اگوست ۱۹۹۳ در یونیسف مطرح کرد و لازم است کشور ما با توجه به ویژگی های فرهنگی - اجتماعی چون جوان بودن جمعیت، رشد سطح آگاهی و سواد، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحولات اجتماعی و افزایش ناهنجاری های روانی - اجتماعی، در این زمینه سرمایه گذاری نماید. سازمان جهانی

بهداشت، آموزش مهارت های زندگی را برای ارتقای رشد سالم کودکان و نوجوانان، مداخله پیشگیرانه در مورد بعضی از عوامل اساسی مؤثر در مرگ، بیماری، ناتوانی کودکان و نوجوانان، اجتماعی شدن و آماده کردن افراد جوان برای تغییر شرایط اجتماعی، لازم دانسته است و مقتضیات زندگی مدرن، فرزندپروری ناکارآمد، تغییر ساختار خانواده، ارتباطات مختلف، درک جدید از نیازهای افراد جوان و تغییرات اجتماعی - فرهنگی سریع را دلایل لزوم آموزش مهارت های زندگی عنوان کرده است. هم اکنون بسیاری از کشورها گسترش آموزش مهارت های زندگی را در پاسخ به لزوم تغییر شکل نظام های آموزش سنتی که به نظر می رسد پاسخگوی واقعیت های زندگی اجتماعی و اقتصادی مدرن نیست لازم می دانند.

در سایه آموزش مهارت های زندگی به فرد هنجارها، انگیزه ها و طرز تلقی ها و رفتارهای او شکل می گیرد. تا بتواند سازگاری بهتری با جامعه پیرامون فرد و سایرین داشته باشد. برنامه مهارت های زندگی به طور واقع بینانه بین خواسته های افراد در مورد درس، حرفه، زندگی آینده آنان ارتباط ایجاد می کند. این برنامه به طور علنی و صادقانه مسائل مهم زندگی را مطرح می کند. مهارت های زندگی راه رسیدن به شرایط بهتری باشد که با آموختن آن می توان زندگی موفق تری را تجربه نمود. (هاتر، ۱۳۷۸، به نقل از هاشمی ۱۳۸۵، ص ۳۷)

امروزه با استفاده از برنامه های مختلف مانند آموزش مهارت های زندگی، آموزش بهداشت روانی، ملاحظات بهداشتی و ضروری، درمان های تخصصی می توان به کودکان کمک نمود تا زندگی مفیدتر و رضایت مندتری داشته باشند. همه کودکان در زندگی با استرس های شدیدی روبرو می شوند که بخشی از آن ها ناشی از تغییرات رشد بهنجار کودکان و بخش دیگری از آن نقش ها در ارتباط با والدین و اجتماع رخ می دهد. با توجه به این مشکلات، برنامه آموزش مهارت های زندگی می تواند گامی مؤثر در جهت سازگاری کودکان و نوجوانان باشد. فردی که دارای مهارت های زندگی است می تواند به انتخاب و ارائه ی رفتارهای مناسب در زمان و وضعیت معین دست بزند. به همین جهت آموزش مهارت های زندگی را نمی توان از زمینه هایی که رفتار در آن واقع می شود جدا کرد. و محیط های آموزشی فرصت بی همتایی برای بهبود زندگی بسیاری از افراد ایجاد می کنند. به موازات حرکت ملت ها در جهت آموزش همگانی افزایش نقش مدارس در ارائه خدمات بهداشتی از جمله خدمات بهداشتی روانی، اهمیت یافته است. به جرأت می توان گفت که این گونه محیط های آموزشی با حمایت کامل خانواده و اجتماع بهترین محل برای برنامه های جامع بهداشت روانی می باشند. زیرا تقریباً همه افراد به این گونه محیط های آموزشی سپرده می شوند و محیط های آموزشی اثر عمیقی بر افراد، خانواده ها و اجتماع می گذارند. دانش مهارت های زندگی مجموعه ای

از توانایی هاست که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می آورند. و این توانایی ها فرد را قادر می سازند مسئولیت نقش های اجتماعی را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواست ها، انتظارات و مشکلات روزانه به ویژه روابط بین فردی مناسب و مؤثر، انجام مسئولیت های اجتماعی، انجام تصمیم گیری های صحیح و حل تعارضات و کشمکش ها بدون توسل به اعمالی که به خود یا به دیگران صدمه بزند.

آموزش مهارت های زندگی کاربرد وسیعی در مداخله پیشگیرانه در نظام های آموزشی دارد. از این رو سازمان جهانی بهداشت از ایجاد یک دوره کل نگر، درازمدت و یکپارچه برای آموزش مهارت های زندگی در مدارس حمایت می کند. از طرف دیگر دانش اخیر در مورد مهارت های زندگی این موضوع را روشن ساخته است که آموزش مهارت های زندگی برای افراد جوانی که در مدرسه حضور نمی یابند نیز لازم است. در واقع فلسفه طراحی برنامه آموزش مهارت های زندگی کمک به پرورش مهارت های لازم در افرادی است که در مقابل مسائل و مشکلات زندگی روزمره، فاقد توانایی لازم و به ویژه مهارت های زندگی هستند. به طور کلی آموزش مهارت های زندگی سبب پرورش مهارت های روانی، اجتماعی و رفتاری مورد نیاز افراد بالغ برای حضور در صحنه روابط بین فردی، محل تحصیل، کار و اجتماع می شود.

بروکز^۱ از اولین کسانی بود که در حیطه مهارت های زندگی مطالعه کرد. او معتقد بود که مهارت های زندگی رفتارهای آموخته شده ای هستند که برای زندگی موثر لازمند.

این مهارت ها شامل دانش مورد نیاز با شرایط رشد و اکتساب برخی رفتارها هستند. (به نقل از گیتتر، ۱۹۹۹، ۱۹۱)

1. Brooks